

سیمای احمد شاه قاجار

بعد از گذشت نیم قرن

- ۹ -

مقدمات و علل عقد قرارداد ۱۹۰۷

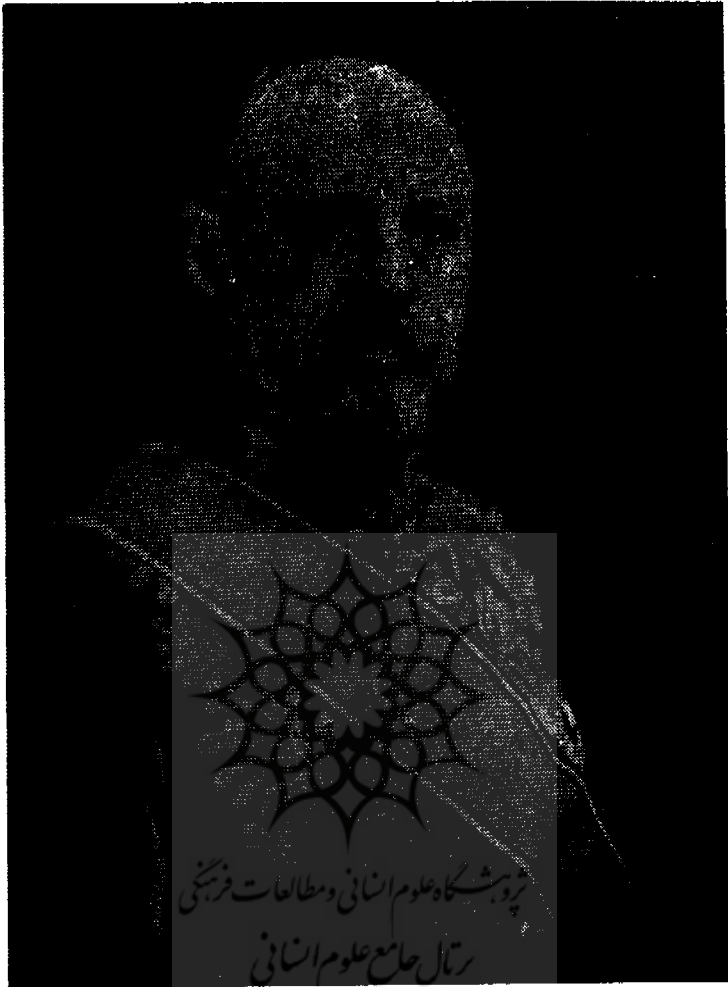
کفه نفوذ و قدرت روس‌ها در ایران، تا اوایل قرن بیستم، از هر حیث بر آن انگلیسی‌ها می‌چربید و نمایندگان سیاسی بریتانیا در تهران خود بهتر از دیگران از این حقیقت آگاه بودند :

« موقمی که تفوق يك دولت بر دولتی دیگر به اندازه تفوق روس‌ها بر ما در ایران آشکار باشد، پوشاندن مطلب به هیچ وجه صلاح نیست و حقیقت قضیه را باید صریح و بی‌پرده اقرار کرد . می‌دانم که این صراحت لهجه من به هیچ وجه مورد پسند مطبوعات انگلستان نیست و شاید هم برخلاف میل وزارت خارجه کشورم باشد . ولی ذکر حقایق همیشه مطمئن‌تر است . ببینید : انتظامات پایتخت ایران را نیروئی که فرماندهی آن به عهده افسران روسی است حفظ می‌کند . سر بازاری که از آشوب و بلوا در تهران جلوگیری می‌کنند همه‌شان با اسلحه‌های روسی که امپراطور روسیه در اختیار ایران گذاشته است مجهزند . سیاستمداران کشور همگی با رأی و صواب دید روسیه کار می‌کنند . احتیاجات مالی کشور عجلتاً به کمک وامی که روس‌ها داده اند تأمین شده است و غله‌ای که برای تنذیه مردم گرسنه پایتخت لازم است از جاده‌ای که روس‌ها کشیده اند به تهران حمل می‌شود . در مقابل اینهمه اقدامات و اعمال روس‌ها، ما هیچ کاری انجام نداده و فقط ناظر فعالیت‌های حریف بوده‌ایم و مع الوصف انتظار داریم که نفوذ ما در ایران با نفوذ روسیه برابری کند ! » (۱)

در عرض این دوره ، روس‌ها تصرف کامل و تدریجی ایران را (که در نظر آنها فقط احتیاج به مرور زمان داشت) يك نوع حق طبیعی برای خود در آسیا می‌شمردند و در نتیجه به هیچ عنوان حاضر نبودند از این حق صرف‌نظر یا این که آن را با دولتی دیگر تقسیم کنند . به قول اسپرینگه دایس :

« روسیه همه ایران را می‌خواهد و نه فقط قسمتی از آن را . هدف وی رسیدن به آب‌های گرم خلیج فارس و اقیانوس هند است و از این جهت در دست داشتن يك سرگذرگاه ، موقمی که سر دیگرش در دست ماست ، نفعی به حالش ندارد . روسیه در حال حاضر عجله‌ای

۱ - مستخرج از يك نامه خصوصی که سرسیسل اسپرینگه دایس (وزیرمختار بریتانیا در تهران در اوایل قرن بیستم) به یکی از دوستان متنفذش در لندن نگاشته است . بنگرید به نامه‌های اسپرینگه دایس - جلد اول - ص ۳۱۹ .



سر سیسل اسپرینگ رایس وزیرمختار لیبرال بریتانیا در تهران که با سیاست دولت متبوعش دایر به تقسیم ایران به مناطق نفوذ مخالف بود .

برای این کار (تصرف تمام ایران) نشان نمی‌دهد و دلیلش واضح است : تا موقعی که ایجاد راه‌های سوق الجیشی که قرار است بوسیله آنها در ایران ساخته شود به حد کافی پیشرفت نکرده است لشکرکشی به ایران از نظر مالی ابداً به صلاحشان نیست . اما موقعی که جاده جدید تبریز - تهران ساخته شد قوای روس شش روزه می‌توانند به تهران برسند و مشهد و تبریز را هم هر وقت که بخواهند می‌توانند اشغال کنند . مسئله اساسی به واقع این است که آیا روس‌ها هم اکنون مایل به تصرف ایران هستند یا نه ؟ احتمالاً نه . چون می‌دانند که اداره مستقیم این کشور، تحت اوضاع کنونی روسیه، تمهدهات سنگینی برایشان ایجاد می‌کند.

به علاوه، این را نیز می‌دانند که وارد شدن قوای آنها به ایران همان و اشغال شدن بندرهای جنوبی این کشور از طرف ما همان لذا فکر می‌کنم که بهترین سیاست روسیه در حال حاضر همین باشد که زمینه را بتدریج برای اجرای نقشه‌های آتی خود آماده سازد و ایران را هر چه بیشتر به سوی پراکندگی و از هم پاشیدگی سوق دهد و از پیشرفت و استقرار نظم در این کشور جلوگیری کند. سپس موقعی که فرصت مطلوب بدست آمد و انگلستان سرش در جای دیگر گرم شد با يك جهش ناگهانی سرتاسر خاك ایران را تصرف کند و به هدف و آرزوی دیرین خود جامه عمل بپوشاند» (۱)

برای نیل به این هدف، روس‌ها دستگاه حکومت ایران را عملاً خریداری کردند. «... صدراعظم ایران (اتابك میرزا علی‌اصغر خان) و وزیر خارجه‌اش مردانی خوش‌برخورد و دوست‌داشتنی هستند و سیاست در نظرشان چیزی شبیه به بازیچه و شوخی است. هر دوی آنها جسماً و روحاً تحت تملک روس‌ها هستند و تقریباً تمام اسرار مملکتی را مو به مو به سفارت روسیه گزارش می‌دهند»» (۲)

از این قرار، تا اواخر قرن نوزدهم روس‌ها به هیچ‌عنوانی حاضر نبودند با دولتی دیگر در تملک نهایی ایران (که به نظرشان عملی تقریباً انجام‌گرفته بود) شریک شوند. اما از اوایل قرن بیستم ببعد که توسعه قدرت نظامی و صنعتی آلمان منافع مهم روسیه و انگلستان را در اغلب نقاط جهان مورد تهدید قرار داد، این دو دولت رقیب بناچار با هم کنار آمدند و ایران را بموجب قرارداد ۱۹۰۷ به مناطق نفوذ تقسیم کردند. فرمول تقسیم

۱ - نامه‌های اسپرینگک رایس - جلد اول - ص ۲۸۳ .

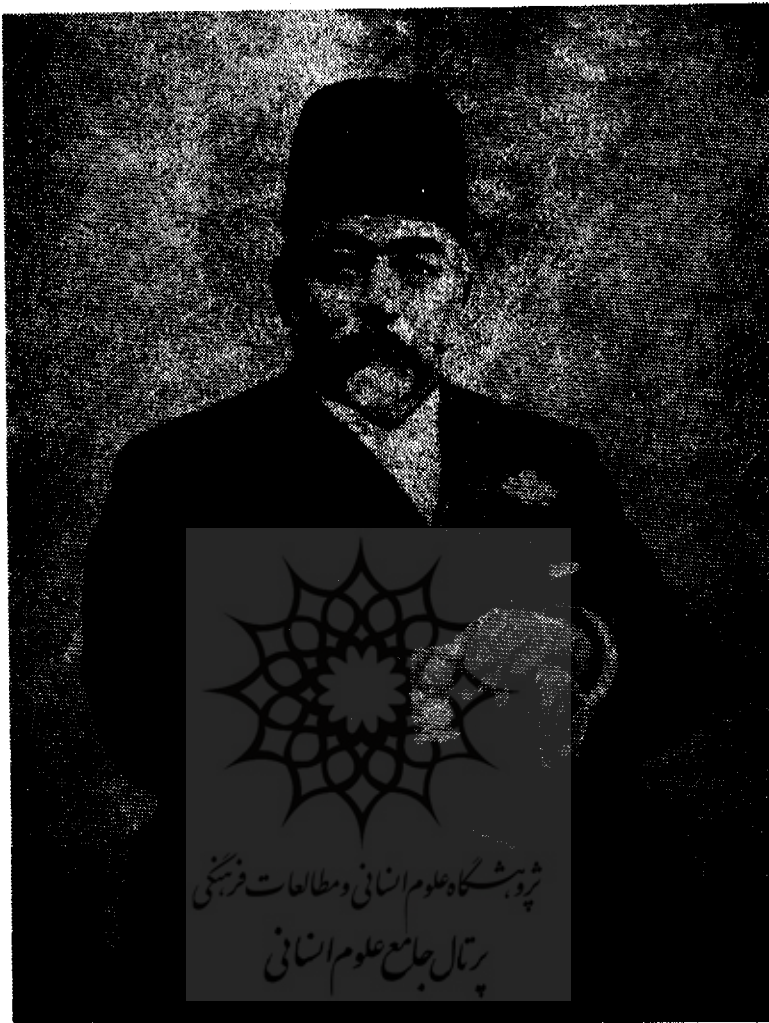
۲ - خاطرات و نامه‌های اسپرینگک رایس - جلد اول - ص ۳۰۲ .

دکتر فوریه (پزشک مخصوص ناصرالدین شاه) در خاطرات خود، ذیل وقایع دهم

فوریه ۱۸۹۳، چنین می‌نگارد:

«جمع کثیری عقیده دارند که در حوادث اخیر (تحریم تنباکو) روسیه سخت دخیل و این حادثه هم فصلی از داستان رقابت دیرینه روس و انگلیس بوده است. این دفعه غلبه کلی با روسیه شده است تا آنجا که امین‌السلطان پس از شکستی که در این قضیه خورده برای اینکه از صدارت نیفتد با زیرکی مخصوص خود را به روس‌ها نزدیک کرده است و همین امر و پس از آن که انحصار دخانیات (که انگلیسی‌ها از ناصرالدین شاه گرفته بودند) لغو شد، امین‌السلطان تغییر سیاست خود را علنی کرد به این معنی که به سفارت روس رفت و برای مدتی قریب به سه ساعت با دو پوتوف وزیرمختار مشغول صحبت بود و به او اطمینان داد که از روش سابق خود (سرسپردگی به انگلیسی‌ها) برگشته است. سپس وزیرمختار را مخاطب قرار داد و گفت: ممکن است شما به قول من اعتماد نکنید ولی عملیات آینده من صدق این‌مقال را ظاهر خواهد کرد.... وزیرمختار که می‌دانند در دست داشتن مردی مثل امین‌السلطان بهتر از فشار آوردن به دولت ایران برای عزل اوست، از صمیم قلب به صدراعظم اطمینان داد که اگر چنانچه می‌گوید عمل کند مورد حمایت دولت روسیه و شخص او خواهد بود»

سه سال در دربار ایران - ترجمه عباس اقبال آشتیانی - ص ۲۴۷ .



امین‌السلطان (میرزا علی اصغر خان اتابک) که پس از شکست سیاست انگلیسی‌ها در قضیه تنباکو شخصاً به سفارت روس رفت و به وزیرمختار آن کشور اطمینان داد که در آتیه خدمتگزار مخلص روس‌ها در ایران خواهد بود .

يك کشور مستقل به مناطق نفوذ ، راه حلی بود که ظاهراً به قصد خاتمه دادن به رقابت‌های دیرینه انگلستان و روسیه در ایران اندیشیده شده بود . براساس این راه حل ، هر کدام از طرفین قرارداد این تعهد را به گردن می‌گرفتند که در منطقه نفوذ دیگری به تحصیل امتیازات سیاسی و اقتصادی ، مبادرت نکنند و در عین حال مانع گرفته شدن این گونه امتیازات بوسیله دولتی که در آن منطقه صاحب نفوذ شناخته شده است نگردند . منطقه نفوذ روس کلیه

ایالات واقع در شمال، شمال غرب، و مشرق ایران و نیز بهترین شهرهای ایران مرکزی (منجمله خود تهران) را در بر می گرفت درحالی که منطقه نفوذ انگلیس به کرمان و بلوچستان و سیستان و مناطق سوق الجیشی جنوب اختصاص داشت. میان این دو منطقه، منطقه بی طرفی هم که ظاهراً از نفوذ هر دو طرف آزاد بود پیش بینی شده بود. (*)



نقشه تقسیم ایران به مناطق نفوذ تحت قرارداد ۱۹۰۷

*- ایالات و شهرهای مهم واقع در منطقه نفوذ روس عبارت بودند از: تمام آذربایجان - خراسان - گرگان - مازندران - گیلان - اراک - قم - ساوه - یزد - نائین - اصفهان - بروجرد - تهران - قزوین - زنجان - همدان - کرمانشاه - کردستان - خانیقین

مقدمه قرارداد ۱۹۰۷ ظاهراً خیلی بزرگه منشانه و با توجه به اصول ومبانی بین المللی تنظیم شده بود. دولترین عاقد قرارداد با صراحت هر چه تمامتر اعلام می داشتند که « استقلال و تمامیت ارضی ایران را محترم خواهند شمرد ». ولی در آئین دیپلماسی میان حرفهائی که سیاستمداران می زنند و شیوه ای که به آن عمل می کنند ، زمین تا آسمان فرق است :

« ... من هرگز آن حرف عاقلانه شما را از یاد نبرده ام که می گفتید ارزش هر قراردادی بستگی کامل به نیت اجرا کنندگان آن دارد . البته ممکن است که روسیه برای اجرای قرارداد اخیرش با انگلستان همان شیوه ای را که در اجرای قرارداد سابقش بازاپن (نسبت به کره) پیش گرفت ، از سر گیرد و مقاصد قدیم خود را در ایران در زیر این پوشش نوین (قرارداد ۱۹۰۷) عملی سازد ... » (۱)

بدیختانه همین طور هم شد و روس ها از لحظه ای که قرارداد ۱۹۰۷ به امضا رسید منطقه نفوذ خود را عملاً در حکم قسمتی از قلمرو ارضی روسیه تلقی کردند و ترتیباتی به معرض اجرا گذاشتند که هر صاحب نظری هدف و مقصد نهائی آن را که الحاق کامل این منطقه به روسیه (در فرصتی نه چندان دور) بود آشکارا تشخیص می داد . ایرانیان واقف به اوضاع ، از همان لحظه که این قرارداد بسته شد عواقب سیاسی آن را پیش بینی کردند و انگلستان را به حق در این جنایت تاریخی (خاتمه دادن به استقلال يك کشور کهنسال) مسئول و سہیم شمردند . پرستیژ سیاسی انگلیسی ها در ایران که به علت حمایتشان از نهضت مشروطیت بالا رفته بود ، پس از بسته شدن این قرارداد سرعت پائین آمد و مساعی مأموران سیاسی بریتانیا که می کوشیدند پرده بروی واقعیت بکشند و سوء ظن ایرانیان را نسبت به منظور حقیقی قرارداد زایل کنند ، خوشبختانه به جایی نرسید . گرایش وطن پرستان ایرانی به سوی آلمان ها در جریان جنگ جهانی اول (۱۹۱۸ - ۱۹۱۴) و اقداماتی که در این زمینه صورت گرفت (تشکیل کمیته ایران آزاد در برلین - تشکیل حکومت مهاجر طرفدار آلمان در ایران - و غیره) جملگی ناشی از تأثیر بد قرارداد ۱۹۰۷ در ذهن ایرانیان و نشان دهنده عکس العمل اجتناب ناپذیر ناسیونالیزم ایرانی در قبال توطئه آشکار انگلستان و روسیه برای از بین بردن استقلال ایران بود .

←

قصر شیرین .

ایالات و شهرهای مهم واقع در منطقه نفوذ انگلیس : کرمان - سیستان - بلوچستان (تنگه هرمز و چاه بهار) بندر عباس .

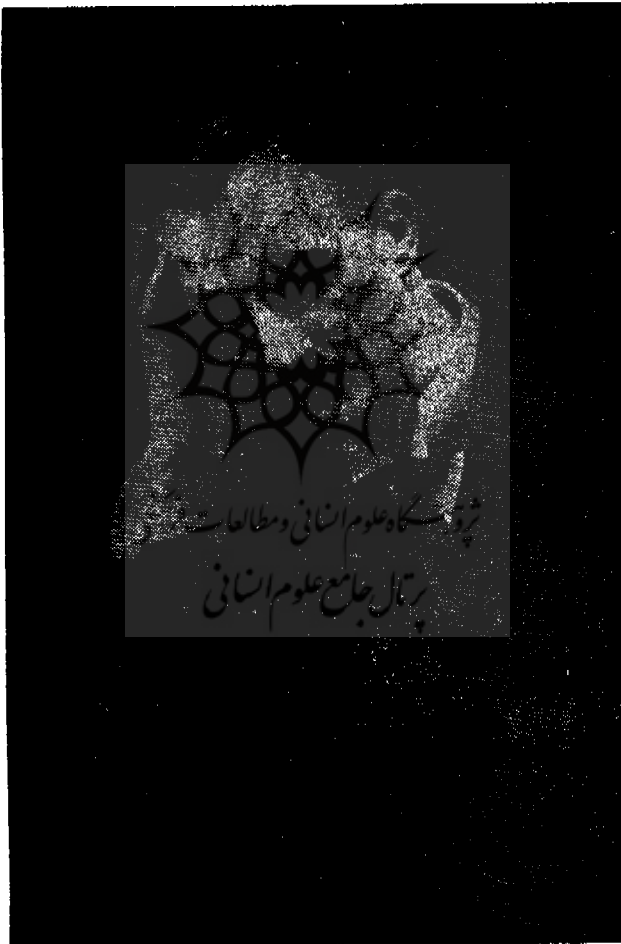
ایالات و شهرهای مهم واقع در منطقه بیطرف : بیرجند - قاینات - خوزستان فارس - لرستان - بختیاری - چهارمحال - بوشهر .

منطقه بی طرف ، چنانکه خواهیم دید ، بموجب عهدنامه دیگری که هشت سال بعد (۱۹۱۵) میان روسیه و انگلستان منعقد گردید ، رسماً به منطقه نفوذ انگلستان ضمیمه شد .

۱ - از نامه خصوصی اسپرینگک رایس به سر ادوارد گری (وزیر خارجه بریتانیا) .

خاطرات اسپرینگک رایس - جلد دوم - ص ۱۰۵ .

سرنگون شدن رژیم تزاری ، همچنانکه تقی‌زاده به حق روی آن انگشت می‌گذارد ، شاید بزرگترین واقعه یکصد و پنجاه سال اخیر برای ایران باشد و اگر بگوئیم که بقای استقلال ایران و ترکیه مدیون همین حادثه و حادثه متمم آن (یعنی روی کار آمدن بلشویک‌ها در روسیه) است ، بی‌گمان سخنی به گراف نگفته‌ایم . یکی از عاقلانه‌ترین و مؤثرترین اقدامات تاکتیکی کمونیست‌ها ، موقعیکه زمام امور روسیه را بدست گرفتند ، علنی کردن مواد عهد نامه‌ها و قراردادهای سری زمان جنگ منعقد میان روسیه و متفقینش (انگلستان و فرانسه) بود . پیمان سری قسطنطنیه (منعقد میان انگلستان و روسیه در هیجدهم مارس ۱۹۱۵) یکی از این عهد نامه‌ها بود .



سر ادوارد گری وزیر خارجه حکومت لیبرال انگلستان به هنگام

عقد قرارداد های ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵

بموجب این پیمان سری ، انگلستان قبول کرده بود که بندر قسطنطنیه (استانبول) و بنایهای بسفر و داردانل بعد از خاتمه جنگ به تصرف روسیه درآیند و روسیه هم در مقابل رضایت داده بود که انگلستان منطقه بی طرف ایران را به منطقه نفوذ سابق خود ملحق سازد. در عین حال ، دولت انگلستان آزادی عمل کامل روس ها را در منطقه نفوذشان تصدیق کرده بود . (به زبان دیپلماسی ، به آنها اجازه داده بود که شهرها و ایالات واقع در این منطقه را ، پس از خاتمه جنگ ، رسماً به روسیه ملحق سازند (۱) . نکته جالب و عبرت انگیز در این بند و بست های سیاسی همین است که هر دوی این قراردادها (قرارداد ۱۹۰۷ و پیمان قسطنطنیه) با تصویب و موافقت قبلی سر ادوارد گری (وزیر خارجه لیبرال بریتانیا) امضا شده بود .

تا پیش از انتشار متن قرارداد قسطنطنیه ، انگلستان هنوز می توانست پیش دوستان ایرانی اش از خود دفاع کند و بگوید که ضرورت های بین المللی پیش از جنگ (یعنی توسعه خطر جهانگشائی آلمان) او را مجبور به بستن قرارداد ۱۹۰۷ با روسیه کرده است و گرنه انگلستان کماکان طرفدار اصل استقلال و تمامیت ارضی ایران است و نخواهد گذاشت که روسیه این اصل را نقض کند . ولی اکنون که طبق اسناد و مدارک انکارناپذیر ثابت شده بود که خود انگلستان رسماً به تفکیک منطقه نفوذ روسیه از پیکر ارضی ایران و الحاق آن به قلمرو تزاری رضایت داده است ، انکار سوء نیت زمامداران لندن دیگر بهیچ وجه امکان نداشت و خشم نهفته ایرانیان یکسره متوجه انگلستان شد .

همکاری لرد کرزن با ملیون ایرانی در مبارزات اینان علیه قرارداد ۱۹۰۷

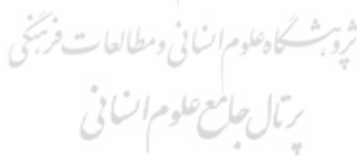
سفر تاریخی لرد کرزن به ایران در سال ۱۸۸۹ (در ۲۹ سالگی) (۲) مصادف با اوج قدرت مرگبار روسیه در ایران بود و مردم این کشور از ناصرالدین شاه و رجال درجه اول درباری گرفته تا توده عامی و بی سواد ، روسیه تزاری را به حق بزرگترین دشمن استقلال کشور خود می شمردند و با اینکه از همکاری گذشته خود با انگلستان هم خاطره چندان خوشی نداشتند ، بازم رویهمرفته برای عقیده بودند که میان این دوخطر ، خطر انگلستان کمتر است . ایرانیان چیزفهم آن دوره ، اعم از اینکه باطناً دوست یا دشمن انگلستان باشند ، در این يك نکته لااقل تردید نداشتند که میان دولت های بزرگ اروپائی فقط انگلستان است که قلباً به حفظ استقلال ایران (ولو به قصد کشیدن کمربند دفاعی بردور هند) علاقمند است . لرد کرزن که از تاریخ مسافرتش به ایران خود را همیشه دوست و حامی ایرانیان قلمداد

۱- یکباردیگر به لیست شهرهای واقع در منطقه نفوذ روسیه بنگرید تا اهمیت انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ (از نظر نجات دادن استقلال ایران) روشنتر گردد .

۲- کتاب معروف لرد کرزن بنام ایران و قضیه ایران که یکی از مراجع مهم و تاریخی (در زبان انگلیسی) راجع به تشکیلات سیاسی و اداری ایران آن روز است پس از بازگشت از همین سفر نوشته شده است .

می کرد با وطن پرستان ایرانی هم آواز شد و عقد قرارداد ۱۹۰۷ را به عنوان خبطی بزرگ که نتایج وخیم و اجتناب ناپذیر آن بزودی آشکار خواهد شد تخطئه کرد. پیش بینی کرزن این بود که روسیه به حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران به نحوی که در مقدمه این قرارداد پیش بینی شده است ابدأ اعتنا نخواهد گذاشت و درمنقله نفوذ خود چنان عمل خواهد کرد که گوئی این منطقه ، از همان لحظه امضای قرارداد ، به خاک روسیه ملحق شده است . این پیش بینی بدبختانه درست از آب درآمد و روسها در منقله نفوذ خود عیناً مثل فاتحانی که بخشی از خاک يك کشور شکست خورده را تصرف کرده باشند رفتار کردند . فرمانداران میهن پرست ایرانی را از اغلب این شهرها اخراج کردند ، آزادی خواهان محلی را که با تصرف کشورشان بوسیله اجنبی مخالف بودند بر سرچوبه دار فرستادند (۱) و بیگانه پرستانی را که حاضر بودند اوامر روسیه را بی چون و چرا اجرا کنند به صدرمصطبه ها نشانندند (۲). فجایی که کنسولها و نظامیان روسی در بیشتر استان های واقع در دون این منطقه (منقله نفوذ روس) مرتکب شدند و شرح کامل آنها در آثار براون و کسروی و تقی زاده آمده است، جملگی نشان می دهند که لردکرزن بهتر از سر ادواردگری خصلت دیپلماسی روسیه را در این نقطه حساس جهان می شناخته است و این بینش دقیق سیاسی وی بیگمان مرهون تجربهای ذقیمت دوران نیابت سلطنتش در هند بوده است .

(ناتمام)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

-
- ۱- بنگرید به شرح زندگانی ثقه الاسلام شهید و عم چنین به مجموعه « نامه های از تبریز » ترجمه دکتر جوادی (انتشارات خوارزمی) .
 - ۲- از انصاف نباید گذشت که ظلم و ستم حکام دوره قاجار نیز در این « بیگانه گرائی » بعضی از ایرانیان بی تأثیر نبود و این طرزفکر حتی به قسمتی از توده مردم (مخصوصاً در نواحی قوچان و عشق آباد و خراسان) سرایت کرده بود که قبول تابیت روسیه بهتر از ننگ رعیتی شاه ایران است . برای فجایع غیر انسانی حکام دوره قاجار (منجمله فروختن زنان و دختران ایرانی به ترکمن ها) بنگرید به کتاب « تاریخ بیداری ایرانیان - بخش دوم - ص ۹۷ (انتشارات بنیاد فرهنگ ایران) .